

در رابطه به پیشبرد اهداف ملی و توسعه و پیشرفت ایران قوانین و فرایندهایی تعریف شده است که به خوبی پیش نرفته‌اند. مثال‌هایی می‌آوریم. دروسی جهت پیشبرد پایه‌ها و علائق دانش‌آموزان تعریف شده است ولی به اهداف معین دست پیدا نکرده‌اند. آموزش روشمند ورزش در درس ورزش مدارس کبریت احمر است یا بهتر بگوییم «ناممکن» و ابتر است. درس انشاء قواعد نویسندگی ساده را در دانش‌آموزان بارور نکرده است. درس هنر موجب نشده هنر و هنرمندان شناخته و یاد گرفته شوند. تقریباً هیچ دانش‌آموخته‌ای از مدرسه و دانشگاه «بنان» را نمی‌شناسد. درس زبان عربی، به ندرت موجب عربی‌دانی دانش‌آموزی شده است. درس زبان انگلیسی موجب صحبت نشده است. از همه اینها مهم‌تر درس زبان و ادب فارسی در بسیاری موارد موجب علاقمندی جهت مطالعه آثار ادبی و تاریخی ایرانی نمی‌شود. طبق اطلاع نگارنده حتی سیستم دانش‌افزایی در دانشگاه و مدارس چه معلمان و مدرسان نارس است و تاثیری آن‌چنانی در درونی کردن پیشبرد اهداف تعریف شده نمی‌شود. بسیاری از دروس آزمایشگاهی در مدرسه و دانشگاه یا ناقص است یا فوت شده است. حال ناقص گذاشتن یا نادیده‌انگاری آزمایش را با جنبه تجربی دروسی مانند فیزیک و شیمی سنجید موجب خطر موجود در زوال و حتی سقوط نهاد آموزشی در ایران است. از طرف دیگر در «شهر» ندای نابلدی در کار گروهی بلند است. سخن کوتاه، سیاهه‌ای بلند از کاستی‌ها در نهاد آموزشی موجود است که نیاز به بررسی و آسیب‌سنجی و آسیب‌زدایی هر یک است.

یکی از آسیب‌های متوجه نهاد آموزش در ایران، عدم تعمیق فهم از ایران برای فرزندان ایران است. به دیگر سخن، شناخت خودآگاه ایرانی و هم‌زیستی از چند طریق شامل خانواده، رسانه، سفر، مطالعه، و نهاد آموزش عملی می‌شود. اما در بسیاری از موارد مدرسه و دانشگاه در این موارد خنثی است و بی‌تأثیر است. این بی‌توجهی موجب چالش‌های فراوانی می‌شود. فرد درک درستی از ایران اعم از مسقط‌الرأس و سایر نواحی ایران ندارد و در بسیاری موارد دچار محلی‌گرایی افراطی، عدم توانایی ارتباط‌گیری با سایر ایرانیان خاصه از مناطق دور از محل او، چالش‌های بسیار در بومی‌گرایی کور و عدم بکارگیری نیروی متخصص از سایر نواحی ایران، ایران‌گریزی و ایران‌ستیزی و در یک کلام عدم امکان توسعه و پیشرفت پایدار می‌شود.

چندین راه‌حل را می‌توان در مدرسه و دانشگاه پیش برد.

- برگزاری اردو در مدارس: اردو در مدرسه از قدیم‌الایام مرسوم بوده است. اما در بسیاری از موارد یکی از اهداف اصلی که آشنایی و «همکاری» دانش‌آموزان با دانش‌آموزان سایر نقاط ایران باشد مغفول مانده است. از استثناهای برگزاری اردوها در دوره ریاست مرحوم محمد بهمن‌بیگی بر آموزش عشایر ایران در دوره‌ها سی ساله است که قسمتی از آن در خاطراتش آمده است. سخن کوتاه نیاز است که اردوهایی نه صرفاً جهت مراجعه به اماکن مذهبی و تاریخی به صورت مجموعه‌های از یک مدرسه برگزار شود. بلکه اردوهایی برگزار شود که افراد استانی به استان دیگر مراجعه کنند و در کاری گروهی با دانش‌آموزانی از ناحیه یا نواحی دیگر همکاری کنند.

- برگزاری اردو و مدارس در دانشگاه و الزام دانشجویان به شرکت در چنین اردوها و مدرسی در سایر نقاطی غیر از شهر و منطقه فعلی. در بسیاری از کالج‌ها و دانشگاه‌های دنیا برگزاری اردوها و نشست‌های چند روزه جهت آشنایی و همکاری افراد تشکیل می‌شود. حتی سعی می‌شود در بعضی از نشست‌ها خاصه نشست‌های دوستانه گپ و گفت یا صرف وعده غذایی افراد ناآشنا عمداً کنار یکدیگر قرار گیرند و اجبار به ارتباط بین آنها می‌شود. نگارنده چنین راهکارهایی را در اردوها و معارفه‌های دپارتمان‌های دانشگاه میشیگان شاهد بود.

- برگزاری دوره‌های موقت در دیگر دانشگاه‌ها: اروپای بعد از دو جنگ جهانی نیاز دید که افراد خاصه نسل جوان از تعصبات قومیتی و نژادی دوری گزینند. یکی از چاره‌ها برگزاری دوره‌هایی در قالب اراسموس است. در دوره اراسموس دانشجو ملزم است که چند ماه از تحصیلش را در کشوری دیگر از موطن اصلی‌اش بگذراند. هدف آن نیز بیشتر یادگیری و آشنایی کار با دیگران و معتدل کردن افراد است. البته بر عکس اروپا، در ایران به صورت طبیعی نزاع‌هایی مانند آنچه در اروپا بوده و مفاهیمی مانند قومیت وجود ندارد. اما فعالیت‌های دشمنان ایران زمین و از آن مهم‌تر تقصیر و قصورهای نهادهای تصمیم‌گیر و مغفول ماندن ایران در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان ممکن است به این پدیده دامن بزند. از طرف دیگر جلوی ضرر احتمالی را حتماً باید گرفت. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که وزارت علوم تمهیدی بیندیشد که دانشجو بخشی از تحصیل خود را در دانشگاهی در منطقه‌ای دیگر از محل تحصیل فعلی‌اش بگذراند. نتیجه این بخش در فهم از ایران، جلوگیری از چالش‌ها، تصمیم‌گیری‌های درست و کلان‌تر به جای تصمیمات خرده و ناقص، پیشرفت و توسعه پایدار کمک فراوان خواهد کرد.